



**بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه
با فرقه‌های معتزله، حنابله و اشاعره
در عصر آل بویه، در بغداد**

دکتر محمدرضا بارانی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
بهار ۱۳۹۲

بارانی، محمدرضا، ۱۳۴۴ -

بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، حنابله و اشاعره در عصر آل بویه، در بغداد / محمدرضا بارانی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.

ده: ۴۳۰ ص. جدول. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۳۵: تاریخ؛ ۵۳)

ISBN: 978-600-5486-92-6

بها: ۱۱۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۴۰۳] - ۴۱۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. اسلام - فرقه‌ها - مطالعات تطبیقی. ۲. اسلام - فرقه‌ها - عقاید. ۳. شیعه امامیه - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها.

۴. اسلام - عراق - فرقه‌ها. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۲۹۷/۵

BP ۲۳۵ / ۲ / ۲ ب ۴ ۱۳۹۱

۲۸۴۲۰۷۷

شماره کتابشناسی ملی



بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه

با فرقه‌های معتزله، حنابله و اشاعره در عصر آل بویه، در بغداد

مؤلف: دکتر محمدرضا بارانی

ویراستار: منصوره یوسفی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: بهار ۱۳۹۲

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۱۱۱۳۰۰)، نمابر: ۲۸۰۳۰۹۰،

ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ • تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نیش کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۶۴۰۲۶۰۰ و ۰۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی، به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی، در مسیر سعادت واقعی بشر، ضرورتی انکارناپذیر است. استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها، در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد، در جامعه ایران اسلامی، در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه، از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی، از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی، جایگاه ویژه‌ای دارد.

توجه امام خمینی(ره) به این حقیقت راهبردی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت. با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم کرد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی، در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون، در ایفای رسالت سنگین خود، خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه کرده است؛ از جمله تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک‌درسی برای دانشجویان رشته «تاریخ تشیع» در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و نیز دیگر علاقه‌مندان در این زمینه تهیه شده است. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از مؤلف اثر جناب آقای دکتر محمدرضا بارانی و نیز از ارزیابان محترم جناب آقای دکتر مهدی فرمانیان آرنی و دکتر قاسم جوادی صفری تقدیر و سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: کلیات پژوهش	۵
۱. تبیین موضوع پژوهش	۵
۲. شناخت، بررسی و نقد منابع	۱۴
۱-۲. تاریخ عمومی	۱۴
۲-۲. طبقات‌نگاری	۲۱
۳-۲. تاریخ محلی	۲۶
۴-۲. فرق و مذاهب	۳۰
۵-۲. اندیشه سیاسی	۳۴
۶-۲. رجال و شرح حال نویسی	۳۸
۷-۲. پژوهش‌های جدید	۳۹
۳. معناشناسی تعامل فکری و سیاسی	۴۷
۱-۳. سیر مباحث تعامل فکری	۴۹
۲-۳. جنبه‌های گوناگون تعامل	۵۰
فصل دوم: تعامل فکری و سیاسی امامیه با معتزله	۵۳
مقدمه	۵۳
۱. دوره آل بویه	۵۴
۱-۱. زمینه‌های برآمدن آل بویه	۵۵
۲-۱. جدول امیران دوره آل بویه	۵۷

۶۰ ۳-۱. مهم ترین اقدامات امیران بویه
۶۵ ۴-۱. مذهب آل بویه
۶۵ ۱-۴-۱. شواهد زیدی بودن آل بویه
۶۶ ۲-۴-۱. شواهد امامی بودن آل بویه
۷۰ ۵-۱. فرهنگ و تمدن دوره آل بویه
۷۳ ۶-۱. سقوط آل بویه
۷۶ ۲. شناسه امامیه
۷۷ ۱-۲. پیدایی امامیه
۸۱ ۲-۲. شخصیت های امامی
۸۷ ۳. شناسه معتزله
۸۷ ۱-۳. پیشینه معتزله
۹۱ ۲-۳. زمینه های پیدایی معتزله
۹۷ ۳-۳. شخصیت های معتزلی
۱۰۱ ۴-۳. عوامل شکست اندیشه معتزله
۱۰۴ ۴. تعامل فکری - اعتقادی
۱۰۵ ۱-۴. اصول پنج گانه
۱۰۵ ۱-۱-۴. توحید
۱۰۷ ۲-۱-۴. عدل
۱۰۸ ۳-۱-۴. منزله بین المنزلتین
۱۰۹ ۴-۱-۴. امر به معروف و نهی از منکر
۱۱۱ ۵-۱-۴. وعد و وعید
۱۱۲ ۲-۴. امامت
۱۱۳ ۱-۲-۴. جایگاه نبوت در برابر امامت
۱۱۳ ۲-۲-۴. جایگاه امامت
۱۱۴ ۳-۲-۴. ضرورت امامت
۱۱۴ ۴-۲-۴. دلیل امامت
۱۱۵ ۵-۲-۴. شرایط امامت
۱۱۶ ۶-۲-۴. نص پیامبر(ص)
۱۱۹ ۷-۲-۴. راه اثبات امامت
۱۱۹ ۳-۴. اعتزال در روایت های امامان شیعه
۱۲۰ ۵. تعامل در دانش ها
۱۲۱ ۱-۵. دانش کلام

۱۲۵	۲-۵. دانش فقه
۱۲۹	۳-۵. دانش اصول فقه
۱۳۳	۶. تعامل فکری - سیاسی
۱۳۳	۱-۶. جهاد
۱۳۴	۲-۶. خروج
۱۳۷	۳-۶. بیعت
۱۳۷	۷. تعامل در عقل‌گرایی
۱۳۸	۸. پیوند فکری امامیه و معتزله
۱۳۹	۱-۸. تبیین پیوند
۱۴۰	۲-۸. شواهد پیوند
۱۴۳	۳-۸. دلایل پیوند
۱۴۷	۴-۸. پیامد پیوند
۱۵۰	۹. تقابل امامیه و معتزله
۱۵۰	۱-۹. تبیین تقابل
۱۵۱	۲-۹. شواهد تقابل
۱۵۱	۱-۲-۹. ردیه‌نویسی
۱۵۴	۲-۲-۹. اختلاف فکری
۱۵۴	۳-۲-۹. مناظره‌های علمی
۱۵۵	۴-۲-۹. گرایش به مکتب یکدیگر
۱۵۵	۳-۹. پیامدهای تقابل
۱۵۶	۱-۳-۹. رد اتهام اعتزال امامیان
۱۵۶	۲-۳-۹. رد اتهام تشیع معتزلی‌ها
۱۵۶	۳-۳-۹. تبیین درست‌باورها
۱۵۷	۱۰. خلاصه فصل دوم
۱۵۷	۱-۱۰. تعامل فکری - اعتقادی
۱۵۷	۲-۱۰. تعامل در دانش‌ها
۱۵۹	۳-۱۰. تعامل فکری - سیاسی
۱۶۱	فصل سوم: تعامل فکری - سیاسی امامیه با حنابله
۱۶۱	مقدمه
۱۶۲	۱. شناسه حنابله
۱۶۳	۱-۱. پیدایی حنابله

۱۶۸	۲-۱. حنابله پیش از برآمدن آل بویه
۱۷۶	۳-۱. شخصیت‌های حنبلی
۱۷۸	۲. تعامل فکری-اعتقادی
۱۷۹	۱-۲. باورهای اعتقادی اساسی
۱۸۰	۱-۲. توحید
۱۹۱	۲-۱-۲. کتاب و سنت پیامبر(ص)
۱۹۵	۳-۱-۲. دیدگاه صحابه
۱۹۸	۴-۱-۲. امر به معروف و نهی از منکر
۲۰۳	۵-۱-۲. جایگاه نبوت
۲۰۴	۶-۱-۲. امامت
۲۱۲	۳. تعامل در دانش‌ها
۲۱۲	۳-۱. دانش کلام
۲۱۶	۲-۳. دانش‌های باطنی و عرفانی
۲۱۷	۳-۳. دانش فقه
۲۲۵	۴-۳. دانش اصول فقه
۲۳۰	۴. تعامل فکری-سیاسی
۲۳۰	۱-۴. همکاری با سلطان جائر
۲۳۴	۲-۴. تقیه
۲۳۷	۳-۴. خروج بر ضد حاکم جائر
۲۴۱	۴-۴. جهاد
۲۴۲	۵-۴. جنگ با مسلمانان
۲۴۵	۵. عوامل موفقیت حنابله
۲۴۵	۱-۵. همراهی با محدثان
۲۴۶	۲-۵. توجه به سلف
۲۴۷	۳-۵. اهمیت به کتاب و سنت
۲۴۸	۴-۵. مبارزه با افراط عقل‌گرایان
۲۴۸	۵-۵. تندروی رقیبان
۲۴۹	۶-۵. همراهی رقیبان با اندیشه‌های غیر مسلمانان
۲۴۹	۷-۵. پیروان بسیار
۲۵۰	۸-۵. همراهی خلافت عباسی
۲۵۱	۹-۵. عرب‌گرایی حنابله
۲۵۱	۶. تعامل در عقل‌گرایی

۲۵۴	۷. ردّیه‌نویسی و مناظره
۲۵۴	۸. تعامل یا تقابل امامیه و حنابله
۲۵۵	۱-۸. همگرایی حنابله و امامیه
۲۵۶	۲-۸. عوامل تقابل
۲۵۶	۱-۲-۸. رفتاری
۲۵۸	۲-۲-۸. اندیشه‌ای
۲۶۳	۴-۸. پیامدهای تقابل
۲۶۴	۱-۴-۸. تشدید بحران مذهبی
۲۶۴	۲-۴-۸. ضعیف شدن حکومت آل بویه
۲۶۴	۳-۴-۸. ضعیف شدن موقعیت عالمان امامی
۲۶۵	۴-۴-۸. قدرت‌گیری اشاعره
۲۶۵	۵-۴-۸. برهم خوردن انسجام اسلامی
۲۶۶	۹. خلاصه فصل سوم
۲۶۶	۱-۹. تعامل فکری-اعتقادی
۲۷۰	۲-۹. تعامل در دانش‌ها
۲۷۲	۳-۹. تعامل فکری-سیاسی
۲۷۵	فصل چهارم: تعامل فکری و سیاسی امامیه با اشاعره
۲۷۵	مقدمه
۲۷۶	۱. شناسه اشاعره
۲۷۷	۱-۱. پیدایی اشاعره
۲۸۷	۲-۱. عوامل پیدایی اشاعره
۲۹۱	۳-۱. شخصیت‌های اشعری
۲۹۸	۴-۱. اشاعره در دوره آل بویه
۳۰۴	۲. تعامل فکری-اعتقادی
۳۰۵	۱-۲. باورهای دینی اساسی
۳۰۶	۱-۲-۱. توحید
۳۱۵	۲-۱-۲. کتاب (قرآن)
۳۱۸	۳-۱-۲. سنت پیامبر(ص)
۳۲۱	۴-۱-۲. دیدگاه صحابه
۳۲۲	۵-۱-۲. امر به معروف و نهی از منکر
۳۲۶	۶-۱-۲. نبوت

۳۲۷ ۲-۱-۷. امامت
۳۳۷ ۳. تعامل در دانش‌ها
۳۳۸ ۳-۱. دانش کلام
۳۴۲ ۳-۲. دانش‌های باطنی و عرفانی
۳۴۴ ۳-۳. دانش فقه
۳۴۶ ۳-۴. دانش اصول فقه
۳۴۸ ۴. تعامل فکری-سیاسی
۳۴۹ ۴-۱. همکاری با سلطان جائر
۳۵۲ ۴-۲. تقیه
۳۵۴ ۴-۳. خروج
۳۵۵ ۴-۴. جهاد
۳۵۷ ۵. چالش‌های اشاعره و عوامل پیروزی آنان
۳۵۸ ۵-۱. چالش‌های فراروی اشاعره
۳۶۲ ۵-۲. عوامل پیروزی اشاعره
۳۶۹ ۶. تعامل در عقل‌گرایی
۳۷۵ ۷. ردیه‌نویسی و مناظره
۳۷۸ ۸. تعامل یا تقابل امامیه و اشاعره
۳۷۸ ۸-۱. پیامدهای مکتب اشاعره
۳۸۲ ۸-۲. تفاوت امامیه و اشاعره
۳۸۳ ۸-۳. عوامل تقابل
۳۸۴ ۸-۴. پیامدهای تقابل
۳۸۶ ۱۰. خلاصه فصل چهارم
۳۸۶ ۱۰-۱. تعامل فکری-اعتقادی
۳۸۹ ۱۰-۲. تعامل در دانش‌ها
۳۹۰ ۱۰-۳. تعامل فکری-سیاسی
۳۹۵ نتایج پژوهش
۴۰۳ منابع و مأخذ
۴۱۷ نمایه اعلام
۴۲۹ نمایه اماکن

مقدمه

فرقه‌گرایی و پیدایی انشعاب جدید، در بین پیروان یک دین، از چالش‌ها و بحران‌های اثرگذار در همگرایی آنان بوده است. ریشه این بحران، از یک سو، اختلاف اندیشه‌ای و از سوی دیگر، اختلاف سیاسی است و امکان دارد به تدریج، به ابعاد دیگر نیز کشیده و به تنش‌های فراگیر در جامعه تبدیل شود. این اختلاف چالش‌های متعددی در اجتماع پدید می‌آورد و رفتارها و اندیشه‌های پیروان فرقه‌ها و مذاهب را جهت‌دهی می‌کند. در پی این اختلاف، هر یک از فرقه‌ها، برای مبارزه با رقیبان دینی خود، به تبیین دیدگاه خود پرداخته، رقابت فکری شکل می‌گیرد. اگر پیروان و عالمان این گروه‌ها، در یک محدوده جغرافیایی باشند، با سیاست تسامح و ضرورت زندگی مشترک، این رقابت به تعامل و همکاری تبدیل خواهد شد و در نهایت، به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فکری آنان می‌انجامد.

به تعبیری، هر یک از گروه‌ها، در میدان رقابت امتیازاتی دارد که کفه ترازوی آن را در برابر حریف سنگین‌تر می‌کند و رقیب نیز، برای مقابله با آن گروه، نیازمند بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های فکری برتر و همانند رقیب است و در نتیجه، گاه از اندیشه‌ها و باورها یا برخی روش‌های آنان استفاده می‌کند تا در میدان رقابت، کفه ترازوی خود را تقویت کند؛ در نتیجه، زمینه تعامل و رابطه فکری محقق می‌شود و در ادامه، به اشتراکاتی دست می‌یابند. گاه افراد برای تقابل، از ابزار و روش‌های خلاف ابزار روش‌های حریف بهره می‌گیرند و در نتیجه، باور و عمل به آن روش، به تدریج، یکی از ضروریات و امور لازم برای آنان قلمداد می‌شود.

با بررسی سیر دگرگونی و تکامل اندیشه‌ها و باورهای فرقه‌ها و مذاهب اسلامی می‌توان گفت این فرآیند رقابتی، بین آنان نیز وجود داشته و به تعامل فکری و سیاسی آنان منجر شده

است. ظهور جدی فرقه‌های اسلامی، در قرن‌های دوم و سوم هجری رخ داد. اختلافات فکری و سیاسی، به شکل‌گیری بسیاری از فرقه‌ها در این دوره انجامید و تمایز فکری، سیاسی و فقهی فرقه‌ها، در دوره‌های بعد، نمود آشکارتری یافت. در این زمینه برخی شهرها، به دلیل ترکیب جمعیتی‌شان نقش بسیاری داشتند.

بغداد مهم‌ترین شهر در پدید آمدن ارتباط و تقابل (همگرایی و واگرایی) فرقه‌های اسلامی بود؛ زیرا ابعاد سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی برجسته‌ای داشت و الگوی دیگر شهرها و اثربخش در روابط فرقه‌های دیگر شهرها بود. بحث‌های فکری و اعتقادی، عقل‌گرایی و جریان‌های سیاسی، در میان عالمان رواج یافته بود و نوشتن کتاب‌های نقد درباره کتاب‌ها و اندیشه‌های رقیب و یا رد برخی اتهام‌های جریان‌یافته در جامعه، از گام‌های مهم این رویکرد بود.

از سوی دیگر، حوادثی رخ داد که بر اهمیت این مسئله افزود؛ زیرا آل‌بویه که مهم‌ترین حکومت شیعی این دوره را تشکیل دادند، توانستند با تسلط بر برخی سرزمین‌های اسلامی در عراق و جبال (مانند ری، قم، اصفهان، شیراز، کرمان و بغداد)، جایگاه سیاسی بسیار مهمی در تاریخ اسلام به دست آورند. امیران شیعی آل‌بویه، با نفوذ بر خلافت عباسی، موقعیت دادن به عالمان شیعی، جلب همکاری اندیشمندان شیعه و تدبیر کارهایی بسیار مهم و با به وقوع پیوستن حوادث مهم در دوره آنان، موقعیت ممتازی در تمدن اسلامی و تحولات علمی به دست آوردند.

مهم‌تر آنکه در این دوره، حوادثی برخاسته از اندیشه‌های فرقه‌های موجود در بغداد رخ داد. در بغداد آن روز، فرقه‌های مهمی، مانند امامیه، حنابله، اشاعره، زیدیه و معتزله، در برابر یکدیگر قرار داشتند و با تأکید بر اندیشه‌های خود، به تقابل با هم کشیده شدند؛ در نتیجه، اوضاع بغداد بحرانی شد. بنابراین، برای بررسی حوادث تاریخی این دوره و ارائه تحلیلی واقع‌بینانه‌تر ضرورت دارد به مسائل فکری پنهان و پیدای این عصر توجه داشت.

بر اساس این ضرورت و اهمیت، پژوهش حاضر، با عنوان بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، حنابله و اشاعره در عصر آل‌بویه، در بغداد به بررسی این دوره حساس تاریخ اسلام می‌پردازد تا اثرگذاری امامیه بر فرقه‌های یادشده و اثرپذیری آنان از این فرقه‌ها در قرن‌های چهارم و پنجم هجری بررسی شود.

فصل نخست با بیان برخی مقدمات، دربردارنده سه عنوان «تبیین موضوع پژوهش»، «شناخت، بررسی و نقد منابع» و «معناشناسی تعامل فکری و سیاسی» است. سه فصل

اصلی کتاب، با عنوان‌های «تعامل فکری و سیاسی امامیه با معتزله»، «تعامل فکری و سیاسی امامیه با حنابله» و «تعامل فکری و سیاسی امامیه با اشاعره»، به بررسی تعامل امامیه با سه فرقه‌اثرگذار معتزله، حنابله و اشاعره، در عصر مورد بحث می‌پردازند. هر فصل سه محور اصلی دارد: نخست تعامل فکری-اعتقادی است که بیشتر به اندیشه‌ها و باورهای اعتقادی و کلامی فرقه‌های مورد نظر و تأثیرپذیری آنان از یکدیگر می‌پردازد، به‌ویژه که زیربنای بسیاری از دیگر اندیشه‌ها همین امور است. دوم بررسی تعامل در زمینه دانش‌هاست و محور سوم تعامل آنان در اندیشه‌های سیاسی است. در پایان، نتایج پژوهش خلاصه و با تأکید بر محورهای مهم ارائه می‌شود.

شناخت سیر تاریخی تحول اندیشه‌ی اعتقادی امامیه، شناخت تعامل فکری-اعتقادی امامیه با معتزله، حنابله و اشاعره، شناخت تعامل فکری-سیاسی امامیه با معتزله و حنابله و اشاعره، و تبیین نقش اندیشمندان امامیه در تعامل با اندیشمندان دیگر فرقه‌ها، از اهداف مورد نظر این تحقیق است. امید است این پژوهش برای مراکز علمی و آموزشی و پژوهشی، استادان و پژوهشگران تاریخ و تمدن اسلامی، پژوهشگران رشته‌های مرتبط با فرقه‌ها و مذاهب اسلامی، سازمان‌ها و مراکز اجرایی دولتی، و سازمان‌های غیردولتی به‌ویژه حوزه‌های علمیه و مراکز وابسته به آنها کاربردهایی داشته باشد و گامی نخستین برای تعمق در بررسی تعامل فکری و سیاسی گروه‌های دینی و اجتماعی شمرده شود.

در اینجا بایسته است شکرگزاری خود را ابراز کنم. نخست سپاس خدای را که زندگانی ارزانی بخشید و به کسب معرفت و دانشمان رهنمون گردانید. همو را شکر که زمینه بهره‌مندی از تجربه‌ها و اندوخته‌های علمی استادان و دانشوران را فراهم آورد. او که تمامی بندگان، با اراده‌ او می‌زیند و با اختیار خود، راه زندگی را گزینش می‌کنند و تمامی این نعمت‌ها از اوست. سپاس خالق بی‌همتا را که در دوره‌ای حساس، مرا به مسیر دانش و ادب هدایت نمود و امید که با خواست او، زمینه کارآمدی آنها در زندگی ام فراهم شود.

سپاس از گروه تاریخ دانشگاه اصفهان و اعضای محترم هیئت علمی گروه که در دوره دکتری از دانش آنان بهره‌مند شدم و از فرهیختگانی چون دکتر صادق آئینه‌وند، دکتر محمدعلی چلونگر، دکتر سید اصغر محمودآبادی، دکتر اصغر منتظرالقائم، دکتر حسین میرجعفری و دکتر اصغر فروغی ابری که در راه کسب دانش، همنشین آنان بودم و از خرمن معرفت و دانش آنان بهره‌ وافر برده، دیدگاه‌های آنان، در نگارش این اثر سودمند واقع شد.

همچنین تشکر از فرهیختگان و دانشورانی چون دکتر قاسم جوادی صفری، دکتر مهدی فرمانیان، دکتر محمد الله اکبری و دکتر سید علاءالدین شاهرخی که پیشنهادهایشان در غنابخشی به این اثر نقش داشت.

تشکر و قدرانی از پدر و مادر کوشا، مهربان و دلسوزم که تشویق‌ها و دلگرمی‌های آنان مرا بدین راه واداشت. تقدیر از همسر صبور و همدم که زمینه آسایش و آرامش مرا برای فراگیری دانش فراهم آورد. همچنین تشکر و آرزوی بهروزی برای تمامی فرزندانم که یاری‌گر پدر خویش بودند و امید که در راه معرفت و دانش، گام‌های استواری بردارند و خدای تعالی یاری‌گر آنان باشد.

در پایان، از حجج اسلام آقایان علیرضا اعرافی (ریاست محترم پیشین پژوهشگاه) و همچنین دکتر محمدباقر سعیدی روشن ریاست محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ محمدرضا هدایت‌پناه (مدیر محترم پیشین گروه تاریخ) و آقای دکتر منصور داداش‌نژاد (مدیر محترم گروه تاریخ)، و همه اعضای محترم گروه تاریخ پژوهشگاه و نیز، کارکنان و نیروهای اجرایی پژوهشگاه تشکر و آرزوی توفیق و بهروزی بیشتر را برایشان از خداوند درخواست می‌کنم.

فصل اول

کلیات پژوهش

۱. تبیین موضوع پژوهش

این تحقیق به بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با معتزله، حنابله و اشاعره، در قرن‌های چهارم و پنجم هجری، در عصر آل‌بویه در بغداد می‌پردازد. بسیاری از فرقه‌های اسلامی، در قرن‌های دوم و سوم هجری شکل گرفت. در این دوره، تمایز فرقه‌ها، از لحاظ فکری، سیاسی و فقهی نمود بارزتری یافت؛ در نتیجه، رقابت سیاسی و فکری مهمی پی‌ریزی شد. در قرن سوم هجری، تقابل بسیار آشکاری بین برخی از آنان به وجود آمد و حتی بر تأسیس فرقه‌های جدید تأثیر بسیاری گذاشت و به تشکیل فرقه‌های کلامی و فقهی بسیاری انجامید.

از عوامل بسیار مؤثر در پیدایی اندیشه‌های نو، سفر اندیشمندان به سرزمین‌های دیگر و ارتباط با شخصیت‌های متعدد بود. در این زمینه، ارتباط اندیشمندان مسلمان با پیروان ادیان و ملت‌های دیگر نیز مؤثر بود و به‌ویژه ورود اندیشمندان مسلمان به مباحث کلامی و عقلی و تحول فکری آنان را در پی داشت. برخی با این جریان مخالفت کردند و در نتیجه، جریان‌های عقل‌گرا و مخالف عقل‌گرایی به صحنه آمده، اندیشه‌های اسلامی و دینی را با این دو رویکرد معرفی کردند. شیعیان در تعامل با فرقه‌های اسلامی دیگر، در سه قرن نخست، جایگاه برتری نداشتند، بلکه از سویی، در تقابل با حکومت بودند و از سوی دیگر، به سبب نداشتن امتیاز آشکار و وجود اختلاف میان پیروان و ابهام در موقعیت اقتدار نداشتند.

پس از پایان دوره حضور امامان(ع) و به صحنه آمدن نایبان و عالمان شیعی و نیز پس از اینکه برخی شیعیان، در شام، مصر و بغداد، موقعیت سیاسی به دست آوردند و

حکومت‌های شیعی فاطمیان، حمدانیان و آل‌بویه، در این مناطق تشکیل شد، جایگاه اندیشمندان شیعه تقویت شد. مهم‌ترین حاکمان شیعی این دوره، از خاندان آل‌بویه بودند. آنها با تسلط بر برخی سرزمین‌های اسلامی، در عراق و جبال، مانند ری، قم، اصفهان، شیراز، کرمان و بغداد، جایگاه سیاسی بسیار مهمی به دست آوردند. این خاندان شیعی، به‌ویژه، پس از اینکه بغداد را مرکز خلافت خود قرار دادند و بر خلیفه عباسی نفوذ بسیار یافتند و عالمان شیعی نیز با آنان همکاری کرده، از سوی دیگر، حوادث بسیار مهم مؤثری، در دوره آنان اتفاق افتاد، موقعیت ممتازی یافتند.

مهم‌تر آنکه برخی حوادث برخاسته از اندیشه‌های فرقه‌های موجود در بغداد رخ داد. در بغداد آن روز، فرقه‌های مهمی مانند امامیه، حنابله، اشاعره و معتزله وجود داشتند. با پافشاری آنان بر اندیشه‌های خود، حوادث زینباری اتفاق افتاد و در نتیجه، اوضاع بغداد بحرانی شد؛ بنابراین، برای بررسی حوادث تاریخی این دوره و ارائه تحلیلی واقع‌بینانه‌تر توجه به مسائل فکری پنهان و پیدای تاریخ ضرورت دارد.

این پژوهش، براساس روش اسنادی و کتابخانه‌ای، به‌گونه تحلیل محتوا انجام شده است. یکی از مشکلات انجام این تحقیق این بود که برای بررسی این تعامل فکری لازم بود اندیشه‌های این فرقه‌ها، از یک سو و باورهایی که امامیه از آنان گرفته و نیز، اندیشه‌هایی که دیگر فرقه‌ها از امامیه گرفته‌اند، بررسی شود. معمولاً هرگروه فکری بر تأثیر نپذیرفتن خود از دیگر فرقه‌ها تأکید می‌کند و بر این باور است که از آغاز، این اندیشه‌ها را باور داشته است؛ اما در بررسی تاریخی می‌توان ریشه‌ها و زمینه‌های تعامل فکری را برجسته و براساس آن، سیر تحول اندیشه‌ها را آشکار کرد و این کاری دشوار است.

تحقیق فرآیندی برنامه‌ریزی شده، هوشیارانه، نظام‌مند^۱ و قابل اعتماد برای یافتن حقایق یا فهم عمیق مسائل مربوط به موضوع پژوهش است. پژوهش در علوم انسانی، در یک زمینه اجتماعی گسترده انجام می‌گیرد که در آن، سیاست و قدرت، بر پژوهش و چگونگی اجرا و گزارش نتایج آن تأثیر می‌گذارد. «یافتن حقیقت» و «قضاوت ارزشی» دو فعالیت کاملاً مجزا شمرده و به هر یک از آنها، جداگانه و به ترتیب پرداخته می‌شود. واژه «ذهنیت» نیز، همواره قدرت کاربردی خاصی در فرآیند تحقیق در علوم انسانی دارد. «ذهنیت» می‌تواند بسیاری از فعالیت‌ها و موضوعاتی را که بر پایه عقلانیت، منطقی و روند عینی نبوده است، حذف کند.

پژوهش در علوم انسانی، همیشه یک فعالیت کاملاً عینی نیست که یک پژوهشگر، صرفاً در جایگاه نظاره‌گر پدیده‌ها، آن را همانند پژوهش در علوم طبیعی انجام دهد. با اینکه بی‌طرفی در جریان تحقیق و گزارش نتایج آن بسیار مهم است، این امر در علوم انسانی، به صورت نیرومندی متأثر از انگیزه‌ها و ارزش‌های پژوهشگر قرار می‌گیرد و این یک آسیب جدی برای دستیابی به نتیجه منصفانه و واقعی است؛ در نتیجه بر پژوهشگر است که با تدابیری درصدد جلوگیری از بروز آن باشد. از این رو، انجام پژوهش بر اساس یک طرح مشخص و شامل محورهایی مانند کلیدواژه، تبیین موضوع، پیشینه تحقیق، نوآوری تحقیق، ضرورت تحقیق، اهداف علمی و کاربردی تحقیق، پرسش‌های اصلی و فرعی، فرضیه‌ها، روش تحقیق، ابزار تحقیق، ساختار و سامان‌دهی تحقیق، معرفی و نقد‌گزیده مهم‌ترین منابع بسیار ضرورت دارد و زمینه مناسبی برای حرکت علمی در مسیری روشمند و آگاهانه است. مهندسی پژوهشی، بر اساس یک طرح موفق، به نتایج مطلوب دست می‌یابد و مطالب پیش رو به این منظور تهیه شده است.

برای تبیین دقیق‌تر موضوع این پژوهش بایسته دانستن است که ایجاد اختلاف و جدایی بین پیروان هر دین و مذهبی، طبیعی و ناگزیر و برخاسته از ضرورتی اجتماعی است؛ زیرا به هر تقدیر، در تفسیر متون دینی و برداشت از آنها اختلاف پیش می‌آید. میان مسلمانان نیز، این اختلاف خودنمایی کرد و زمینه‌ساز ایجاد فرقه‌هایی شد. به نظر می‌آید در میان مسلمانان، گونه‌های فکری و اعتقادی بسیاری وجود داشته، به قدری که از برخی ادیان، غیر از مسیحیت و هندوئیسم بسیار بیشتر بوده است. از سوی دیگر، دانستن چگونگی تعامل عالمان و پیروان این فرقه‌ها بسیار ارزشمند و ضروری است؛ زیرا دانستن مسائل مرتبط با تعامل و پیامدهای مثبت و منفی آن، زوایای پنهان و مهمی از تاریخ را آشکار می‌کند. واضح است که موقعیت و دوره هر گروهی، در این زمینه، نقش کلیدی داشته است. در این نوشتار تعامل فکری و سیاسی امامیه با معتزله، حنابله و اشاعره، در دوره آل‌بویه بررسی می‌شود. آل‌بویه در قرن‌های چهارم و پنجم و پس از ضعف خلافت عباسی در قرن سوم حکومت کردند. در این دوره، عالمان با پشتیبانی آنان، اقدامات تمدنی و فرهنگی بسیار مهمی صورت دادند که تحولات فکری نوینی را در پی داشت. بررسی مسائل فکری و تعامل فرقه‌ها در این زمینه بسیار مهم بوده، می‌تواند الگوی بسیار خوبی برای جامعه کنونی باشد؛ بنابراین، در این پژوهش، توسعه و پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی، در دوره آل‌بویه

بررسی می‌شود. از سویی به نظر می‌آید چند فرقه بسیار بزرگ، در رقابت با یکدیگر، مسیر حوادث را تغییر دادند. روح حاکم بر تعامل این فرقه‌ها، موافقت یا مخالفت با عقل‌مداری و تفسیر عقلانی دین بود. امامیه مانند دیگر فرقه‌ها، در این زمینه نظرهایی داشتند.

پیروان امامان(ع) که بعدها به امامیه شهره شدند، در سه قرن نخست، در تعامل با دیگر فرقه‌های اسلامی جایگاه چندانی نداشتند، به‌ویژه که برخی فرقه‌های شیعی، به تدریج، در قرن‌های دوم و سوم شکل گرفتند و در ارائه اندیشه‌ای کلامی و سیاسی استواری چندانی نداشتند. امامیه به سبب عدم تشخیص واقعی و آشکار و اقتدار نداشتن در صحنه سیاسی و اجتماعی، نمود اندکی داشتند و اختلاف میان پیروان و ابهام در موقعیت نیز، آنان را دچار سردرگمی در امور مذهبی، سیاسی و اجتماعی کرده بود. پس از پایان دوره حضور و آغاز غیبت کبری و با به صحنه آمدن عالمان و اندیشمندان شیعی و نمود آشکارتر تشیع و از سوی دیگر، پس از اینکه شیعیان، در شام، مصر، بغداد و عراق عجم، موقعیت سیاسی به دست آوردند و حکومت‌های فاطمیان، حمدانیان و آل‌بویه تشکیل شد، فرصت مناسبی برای شیعیان و تقویت جایگاه اندیشمندان آنان فراهم شد.

در قرن چهارم، با به قدرت رسیدن آل‌بویه، افزایش اقتدار سیاسی و فکری عالمان شیعی، نفوذ شیعیان در دستگاه خلافت عباسی و حضور فرقه‌های گوناگون در بغداد، زمینه تقابل و تعامل آنان فراهم شد. با رویکرد تسامح‌گونه و مصلحت‌اندیشانه عالمان و بزرگان شیعی، تعامل امامیه با برخی فرقه‌ها فزونی یافت. این تعامل‌ها فضای علمی و سیاسی آن زمان را دگرگون ساخت و تحولات فکری و فرهنگی اثربخشی پدید آورد.

دلیل شکل‌گیری و تمایز فرقه‌های کلامی و مذهبی از یکدیگر، برخی باورهای اعتقادی آنان است؛ به تعبیری، عامل اصلی پیدایی این فرقه‌ها، اختلاف نظر در مباحث کلامی با دیگر فرقه‌هاست؛ اما عامل شکل‌گیری فرقه‌های فقهی اختلاف نظر در باورهای مرتبط با مسائل فقهی است. از چهار فرقه مورد نظر این پژوهش، امامیه، معتزله و اشعری فرقه‌های مذهبی و کلامی، و حنبلی فرقه‌ای فقهی است؛ از این رو، مباحث اعتقادی و کلامی این فرقه‌ها مورد نظر این پژوهش است و حنابله نیز، از این زاویه بررسی می‌شود.

در این پژوهش، منظور از تعامل فکری، تبیین روابط مثبت اعتقادی، و منظور از تعامل سیاسی، تبیین تأثیر و تأثر در زمینه اندیشه‌های سیاسی است. بنابراین، تعامل امامیه با سه فرقه کلامی و مذهبی معتزله، اشعری و حنبلی، در این پژوهش، از دو منظر بررسی می‌شود:

فکری-اعتقادی، و فکری-سیاسی. برای بررسی تعامل فکری و حتی سیاسی امامیه با این فرقه‌ها، بررسی تعامل آنان در زمینه دانش‌ها ضرورت دارد؛ زیرا تعامل اعتقادی و سیاسی، در موارد بسیاری، برخاسته از دیدگاه هر فرقه در موضوعات مربوط به دانش‌هاست.

در تعامل فکری-سیاسی امامیه با معتزله، حنابله و اشاعره مواردی اثرگذار بود؛ از جمله جواز همکاری شیعیان با سلطان جائر که موافقان، مخالفان و گفتگوهای بسیاری نیز در پی داشت. به موضوعاتی مانند جهاد، خروج بر ضد حاکم ستمکار و تقیه نیز، در این قسمت توجه خواهد شد؛ البته بسیاری از این مباحث به اندیشه سیاسی هر یک از این فرقه‌ها نیز مربوط است.

در زمینه تعامل فکری-اعتقادی مورد نظر این پژوهش، یادسپاری این نکته لازم است که در این دوره، گروه‌های گوناگونی، به‌ویژه در بغداد، در حال پیدایی، رشد و توسعه بودند و زمینه تعامل آنان فراهم بود. در این میان، تعامل امامیه با فرقه‌هایی مانند حنبلی، اشعری و معتزله بسیار مهم است؛ زیرا عالمان امامیه، به دلیل غلبه آل‌بویه، جایگاه مناسبی داشتند و از سوی دیگر، در برخی قلمروهای دیگر، مانند مصر و شام، حکومت‌ها شیعه بودند؛ از این رو، زمینه بسیار مناسبی برای امامیه فراهم شده بود. عالمان و اندیشمندان شیعی، با رویکرد تسامح‌گونه و مصلحت‌اندیشی یا تقیه‌گونه، با این جریان برخورد کردند که سبب شد نگرش‌های گوناگونی در میان عالمان شیعه پدید آید.

بنابراین به نظر می‌رسد در این پژوهش باید، در مورد موضوعات مهم و مبهمی مانند ارتباط و تعامل عالمان و اندیشمندان امامیه با عالمان معتزلی، اشعری و حنبلی، در بغداد، پایتخت خلافت عباسی نیز تحقیق کرد؛ به تعبیر دیگر، باید تعامل فکری-سیاسی امامیه با دیگر فرقه‌ها (معتزله، حنبلی و اشعری) بررسی شود تا به ساختار حاکم بر تعامل فکری-سیاسی امامیه با گروه‌های شیعی و سنی دست یافت. بررسی تعامل فکری-عقیدتی امامیه با برخی فرقه‌های اسلامی، مانند حنابله، اشاعره و معتزله نیز می‌تواند ساختار حاکم بر تعامل فکری-اعتقادی مسلمانان، به‌ویژه امامیه را نشان دهد. نتیجه اینکه می‌توان در این دو زمینه، به چگونگی تعامل امامیه با فرقه‌های سه‌گانه دست یافت.

موضوع این پژوهش دربردارنده دو محور مهم (امامیه و دیگر فرقه‌ها)، با تأکید بر امامیه و «تعامل فکری و سیاسی» این فرقه‌هاست. عصر آل‌بویه در بغداد، با توجه به رخدادهای سیاسی و عقیدتی آن، موضوع بسیاری از منابع آن دوره و امروز بوده است؛ اما از یک سو،

نویسندگان چندان به بررسی تعامل فکری-سیاسی و فکری-عقیدتی این فرقه‌ها، در این دوره اهتمام نداشته‌اند. از سوی دیگر، گرچه برخی کتاب‌ها به مقایسه اعتقادات امامیه با دیگر فرقه‌ها توجه داشته‌اند، با مطالعه آنها مشخص می‌شود که تنها به موضوعات اعتقادی و نه سیاسی توجه داشته‌اند و دیگر اینکه بررسی آنان بر اساس شیوه تاریخی نبوده است؛ در حالی که پژوهش کنونی به موضوعات فکری-سیاسی نیز، به‌طور آشکار و اساسی پرداخته و تأکید آن بر بررسی تاریخی بوده است و در تمامی موضوعات، به شواهد تاریخی استناد شده است. در ادامه، برای تبیین تمایز این اثر از پژوهش‌های پیشین، برخی آثار در این زمینه، به اختصار معرفی می‌شود.

الف) شیعه در برابر معتزله و اشاعره، نوشته هاشم معروف الحسینی: نویسنده فرقه‌های سیاسی و اعتقادی را از زمان پیدایی بررسی و ثابت می‌کند که بیشتر فرقه‌های منتسب به تشیع واقعیتی ندارد. او همچنین، تاریخ معتزله، اشاعره و دیگر فرقه‌های اسلامی را بررسی و نظریه‌های کلامی آنها را با نظریه‌های کلامی شیعیان امامی، با اعتماد به منابع سنی و شیعی مقایسه می‌کند. این کتاب به تفاوت دیدگاه امامیه با دیگر فرقه‌ها، از نظر تعامل فکری نمی‌پردازد و نیز، به تعامل سیاسی هیچ توجهی نمی‌کند. قلمرو زمانی و مکانی بحث نیز روشن نیست و مطالب آن، به صورت کلی مطرح می‌شود.

ب) تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، نوشته دکتر محمدجواد مشکور: در این کتاب، تاریخ تحولات شیعه و فرقه‌های اسلام، در قرن‌های اولیه آمده است. این کتاب به ریشه اختلاف مسلمانان و پیدایی مذهب شیعه و دیگر فرقه‌های اصلی اسلام (مانند خوارج، مرجئه و مذهب عامه) و سپس اختلاف مسلمانان در امر امامت و فرقه‌های کلامی اسلامی (مانند معتزله و اشاعره) نیز پرداخته است. تفاوت نظر امامیه با دیگر فرقه‌ها در مورد تعامل فکری و نیز، بررسی تعامل سیاسی امامیه، در این کتاب بررسی نشده است. قلمرو زمانی این اثر تا قرن چهارم است که از این جنبه نیز، با این پژوهش تفاوت داشته، قلمرو مکانی آن مشخص نیست و مطالب، به صورت فراگیر آمده است.

ج) امامت پژوهی، بررسی دیدگاه امامیه، معتزله و اشاعره، زیر نظر محمود یزدی مطلق (فاضل): این پژوهش از دید شیعه، به موضوع امامت پرداخته و آن را با آرای دو فرقه کلامی معتزله و اشاعره مقایسه کرده است. این بررسی بر اساس نقش روش شناختی نظریه امامت در معرفت دینی و با در نظر گرفتن سه رویکرد عمده تحلیلی-کلامی، تفسیری-روایی، و

تاریخی و با ارائه گزارشی اجمالی از پیشینه امامت‌شناسی، نزد شیعه، به بررسی اندیشه امامت پرداخته است.

د) زندگی فرهنگی و سیاسی شیعیان بغداد، نوشته سید حسن موسوی: نویسنده پس از بررسی اجمالی جغرافیای تاریخی بغداد، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان در دوره اول عباسی و سپس عصر غیبت صغری، به مباحثی مانند منصب نقابت و نقیبان علوی، زندگی علمی-اجتماعی و مبارزه‌های بزرگان شیعه، تسامح مذهبی آل‌بویه، اقدامات عمرانی و مذهبی آنان، اقدامات و عملکرد علمی و سیاسی بزرگان و عالمان شیعه، در این دوره پرداخته است و در پایان، به انقراض آل‌بویه و تسلط سلاجقه بر بغداد توجهی کرده است. گرچه نویسنده این کتاب به موضوعات و مسائل مهمی توجه و به‌ویژه، برخی رویکردهای علمی و سیاسی عالمان و اندیشمندان شیعه را بررسی و تحلیل کرده است، چنان‌که از موضوع کتاب آشکار است، به موضوع تعامل فکری- عقیدتی و فکری- سیاسی نپرداخته است. از سوی دیگر، محور اصلی این اثر ارزشمند فقط، شیعه در دوره آل‌بویه است؛ در حالی‌که پژوهش حاضر فرقه‌های معتزله، حنابله و اشاعره را نیز در بر می‌گیرد و از این جهت، تفاوت آشکاری میان این دو اثر وجود دارد.

ه) اندیشه‌های کلامی شیعه با جستارهایی درباره معتزله، اشاعره و شعوبیه، از حسین رئیس‌السادات: در این کتاب، اندیشه‌های کلامی شیعه، به‌طور کلی و بدون در نظر گرفتن مقطع زمانی و قلمرو مشخصی بررسی شده است. از سویی، این کتاب به اندیشه‌های کلامی فرقه‌های دیگر، مانند اشاعره و معتزله پرداخته است تا به این نتیجه دست یابد که اندیشه‌های امامیه، در جنبه‌های عملی، تکاپوهای اجتماعی و راهکارهای تمدنی دارد؛ بنابراین، تعامل فکری محور اساسی کتاب نبوده و به اندیشه‌های سیاسی و تعامل سیاسی این فرقه‌ها توجه نشده است.

و) دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی، گفتمان حدیثی میان قم و بغداد، نوشته آندره نیومن: آندره نیومن، استاد مطالعات اسلامی و ایرانی دانشگاه ادینبرگ انگلستان، در این کتاب، به مباحثی مانند وضعیت بغداد و حضور شیعیان در آن شهر، گروه‌های شیعی در برخی شهرها مانند قم و بغداد، معرفی برخی عالمان امامی مانند برقی، صفار، کلینی و آثار آنان، بررسی دیدگاه برخی عالمان شیعی درباره امامان و جایگاه امامت و مقایسه شیعه دوازده‌امامی در قم و بغداد و ماهیت عملی احادیث در برخی کتاب‌های شیعه پرداخته است.

نیومن، در این اثر، به برخی محورهای مانند اتحاد شیعه و دربار، عقل‌گرایی امامیه، نقش نوبختیان و مقابله مکتب قم با بغداد در زمینه عقل‌گرایی نیز پرداخته است؛ اما درباره تعامل فکری در مباحث عقیدتی و سیاسی و علمی، به صورت مستقل و آشکار سخنی نگفته و بیشتر درصدد مقایسه دو مکتب قم و بغداد و رویکردهای فکری آنان در زمینه اعمال شیعیان بوده است. محدوده زمانی و مکانی این کتاب نیومن نیز، با پژوهش حاضر تفاوت دارد؛ از این رو، تفاوت این دو اثر بنیادی است.

ز) اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، مارتین مکدرموت: نویسنده در آغاز، اجمالاً به معرفی شیخ مفید، آثار، استادان و روش وی پرداخته و سپس کتاب را سه قسمت کرده است. بخش نخست اعتزال را با زیرمجموعه‌های مصلحت و نقش خداوند، نبوت، امامت، صفات خدا، عدل، وعد و وعید و برخی مسائل فقهی بررسی کرده است. بخش دوم درباره ابن بابویه و دیدگاه‌های او در زمینه توحید، عدل، وحی و انسان بوده، بخش سوم دیدگاه سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ق) را در زمینه برخی موضوعات کلامی بررسی کرده است. می‌توان از برخی مطالب این کتاب برای مبحث تعامل امامیه و معتزله استفاده کرد؛ اما این اثر تعامل فکری را به صورت مشخص بررسی نکرده، به فرقه‌های دیگر نیز پرداخته است.

گفتنی است پژوهش حاضر به بررسی موضوعات مهمی می‌پردازد که در این کتاب‌ها، به آنها توجه نشده است؛ مثلاً تعامل فکری و سیاسی امامیه با برخی فرقه‌ها را در دوره مورد بحث بررسی می‌کند تا به ساختار حاکم بر اندیشه سیاسی و اعتقادی امامیه برای تعامل دست یابد. این موضوع، در کتاب‌های معرفی شده بررسی نشده، بلکه تنها برخی از این کتاب‌ها اندیشه‌های بعضی فرقه‌ها را تبیین کرده‌اند و به اثربرداری و اثربخشی آنها توجه نکرده‌اند.

اهداف این تحقیق را می‌توان شناخت سیر تاریخی تحول اندیشه اعتقادی امامیه، شناخت تعامل فکری-اعتقادی امامیه با فرقه‌های معتزله و حنابله و اشاعره، شناخت تعامل فکری-سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله و حنابله و اشاعره و در نهایت، تبیین نقش اندیشمندان امامیه در تعامل امامیه با اندیشمندان دیگر فرقه‌ها دانست.

این پژوهش، صرف نظر از تبیین بخشی از تاریخ اسلام که مورد نیاز جامعه علمی و فرهیخته کشور و بعضاً مورد علاقه مردم است، به بررسی و تحلیل روزگار آل بویه و خلافت عباسی می‌پردازد؛ عصری مهم و تحول‌آفرین، به‌ویژه در زمینه موضوع پژوهش. این

پژوهش برای موضع‌گیری بر ضد هیچ گروهی یا برتری بخشیدن به هیچ‌کدام از آنان نگاشته نشده، بلکه هدف آن تبیین جایگاه واقعی فرقه‌های مورد نظر، در تعامل فکری-اعتقادی و سیاسی است. اهمیت ویژه این تحقیق در این است که در دوره آل‌بویه، امامیه در میان فرقه‌ها، جایگاه ممتازی داشتند و زمینه‌های بسیاری از اندیشه‌های پسینی آنان، در این دوره فراهم شد؛ بنابراین، برای بررسی روند تاریخی تحولات فکری فرقه‌ها و از جمله امامیه، بررسی و تحلیل این دوره ضروری است.

اهمیت دیگر آن در تبیین ساختار فکری سیاسی و عقیدتی است تا با آگاهی از پیشینه فکری بتوان درباره اندیشه‌های کنونی امامیه نظریه‌پردازی کرد، به‌ویژه که امروزه، عالمان امامی، با تکیه بر گذشته فکری، در موضوعاتی مانند ولایت فقیه و همکاری با حاکمانی که امام معصوم آنها را نصب نکرده‌اند، به نظریه‌ها و اندیشه‌های عالمان متقدم نیاز مبرم دارند. از این رو می‌توان از زوایای گوناگون، به اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش پی برد تا شاید بتواند راهکاری علمی برای امروز ارائه کند. تبیین نقش اندیشمندان امامیه، در تعامل با فرقه‌های دیگر، بسیار مغتنم است و بر این اساس می‌توان به تحول نگرش‌های این فرقه‌ها، در همگرایی و مصلحت‌اندیشی دست یافت و این برای اتحاد دولت‌های مسلمان و همگرایی نظام اسلامی با دولت‌های همسایه مفید است.

نتایج این پژوهش برای شخصیت‌های علمی و فرهنگی، دانشگاه‌ها و نهادهای علمی گوناگونی کاربرد دارد که مهم‌ترین آنها مراکز علمی، آموزشی و پژوهشی کشور و جهان، استادان و پژوهشگران تاریخ و تمدن اسلامی، سازمان‌ها، نهادها و مراکز اجرایی دولتی و همچنین سازمان‌ها و نهادهای غیر دولتی، به‌ویژه حوزه‌های علمیه و مراکز وابسته به آنهاست.

برخی از پرسش‌هایی که در آغاز پژوهش، دغدغه ذهنی نویسنده بود، چنین است: سیر تحول نگرش امامیه، در عصر آل‌بویه، نسبت به دوره پیش از آنان چگونه بود؟ امامیه در تعامل با فرقه‌های معتزله، حنابله و اشاعره، چه رویکرد فکری-اعتقادی داشتند؟ امامیه در تعامل با فرقه‌های معتزله، حنابله و اشاعره، چه رویکرد فکری-سیاسی داشتند؟ نقش اندیشمندان امامیه در این تعامل چگونه بود؟ طبیعتاً برای هر یک از این پرسش‌ها پاسخ‌هایی به ذهن تبادر می‌کند که نمونه‌هایی از آنها به این قرار است: امامیه در گفتمان خود، بر اساس تعامل و همسویی (مصلحت‌اندیشی) عمل می‌کردند. گروهی از اندیشمندان معتزله به

هم‌اندیشی با امامیه گرایش یافتند. امامیه به سبب یافتن وضعیت اجتماعی نوین و جایگاه مهم در اندیشه سیاسی، در مواردی، نگرش، روش و سیاست خود را تغییر داد. اندیشمندان شیعه، با توجه به رویکردهای گوناگون خود، نقشی محوری و تعیین‌کننده در تعامل امامیه با دیگر فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله داشتند.

۲. شناخت، بررسی و نقد منابع

شناخت و بررسی منابع می‌تواند زمینه پژوهش را بهتر تبیین کند و دانستن آن برای ورود به بحث درباره آغاز تنش‌های میان مسلمانان و چگونگی موضع‌گیری و تأثیر هر یک بسیار کلیدی است؛ زیرا این پژوهش چند ویژگی دارد: نخست آنکه بررسی تعامل فکری، از منظر تاریخی صورت خواهد گرفت؛ نه کلامی. دوم اینکه با وجود تکیه اصلی پژوهش بر تاریخ، به دلیل محوری بودن اندیشه‌های این چهار فرقه مهم، چاره‌ای جز استناد به منابع مربوط به اندیشه‌های آنها نیست. سوم آنکه این بررسی با چهار فرقه مهم و مقتدر دوره‌ای بسیار پرتحول (آل‌بویه) روبه‌روست. با توجه به این نکات باید گفت دریافت نتیجه پژوهش کاملاً، به مقدار استفاده از منابع، مطالعات پژوهشگران و نوع نگرش به این مطالعات بستگی دارد؛ بنابراین، پیش از ورود به بحث لازم است منابع مورد استفاده در این موضوع گونه‌شناسی شود.

چهار فرقه امامیه، معتزله، اشاعره و حنابله محور اصلی پژوهش، و موضوع پیونددهنده آنان تعامل فکری، در قرن‌های چهارم و پنجم، در بغداد است. گرچه تمرکز پژوهش بر فرقه‌های پیش‌گفته است، به دلیل اینکه ساختار اصلی پژوهش «بررسی تاریخی» است، ضرورت دارد مستندات این پژوهش، از منابع تاریخی بسیاری باشد. از سوی دیگر، به برخی پژوهش‌های جدید اندیشمندان مسلمان و خاورشناسان نیز توجه شده است.

۲-۱. تاریخ عمومی

از محورهای مهم در اسنادهای تاریخی، منابع تاریخ عمومی است. تاریخ عمومی به منابعی گفته می‌شود که گزارش‌های خود را از آغاز خلقت می‌آورند. به دلیل اینکه گزارش‌های پیش از اسلام، با مشکل اسناد مکتوب مواجه‌اند، این کتاب‌ها در این باره معمولاً، بیشتر به گزارش‌های کتاب‌های آسمانی، احادیث، برخی کتیبه‌ها و آثار باستانی توجه می‌کنند. یکی

از ویژگی‌های تاریخ‌های عمومی این است که به سرنوشت و تاریخ پیامبران نیز پرداخته‌اند. برای استناد اندیشه‌های اعتقادی و سیاسی فرقه‌های یادشده و در نتیجه، به دست آوردن چگونگی تعامل آنان، ناگزیر از آوردن شواهدی از این منابع تاریخی هستیم. در اینجا، دو منبع را معرفی و نقد می‌کنیم که به شیوه تاریخ عمومی نوشته شده است.

الف) المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، نوشته ابن جوزی (۵۹۷ق): عبدالرحمن بن علی ابوالفرج حنبلی بغدادی مورخ، مشهور به ابن جوزی، واعظ، مفسر و فقیه حنبلی است که نسبش به محمد پسر ابوبکر، نخستین خلیفه پس از رسول خدا(ص) می‌رسد.^۱ وی خلافت المسترشد (۵۱۲-۵۲۹ق)، الراشد (۵۲۹-۵۳۰ق)، المقتفی (۵۳۰-۵۵۵ق)، المستنجد (۵۵۵-۵۶۶ق)، المستضیء (۵۶۶-۵۷۵ق) و الناصرلدين الله (۵۷۵-۶۲۲ق)، شش تن از خلفای عباسی را درک کرده است. در این دوره طولانی، از یک سو، سلجوقیان بر بسیاری از سرزمین‌های اسلامی تسلط داشتند و روزگار مساعدی برای مکتب اشعری و مذهب شافعی بود و از سوی دیگر، تصوف در مناطق گوناگون رواج یافته بود. در اواخر زندگی او، شیعیان، در بغداد و برخی مناطق دیگر، قدرت بسیاری به دست آورده بودند.

بغداد در این دوره، مانند دیگر شهرها و بسیاری از دوران‌های پیشین، پرآشوب و محل برخوردهای تعصب‌آمیز گروه‌های کلامی و مذاهب فقهی بود. مناظره‌ها، مجادله‌ها و درگیری‌های شدید، نشان‌دهنده وضعیت فکری، مذهبی و اجتماعی آن عصر است. در دوره المستضیء، ابن جوزی به اوج شهرت رسید و بزرگ‌ترین واعظ حنبلیان بود. در سال ۵۷۴ق خلیفه فرمان داد صفه‌ای، در جامع قصر، برای جلوس و سخنرانی شیخ ابوالفتح بن منی، فقیه حنبلی بسازند و آرامگاه احمد بن حنبل را بازسازی کنند. پیروان دیگر مذاهب از این حمایت‌ها سخت آزرده شدند. ابن جوزی می‌گوید: «مردم به من می‌گفتند گرایش خلیفه به حنبله به خاطر من و از تأثیر کلام من است. من نیز، خدای را بر این امر سپاس می‌گویم».^۲ با اینکه خلیفه به ابن جوزی ارادت کامل داشت، وی تابع دستگاه خلافت نشد و گاه، با دربار برخورد نیز می‌کرد و این نشان‌دهنده استقلال رأی اوست. در آن زمان، روابط با دربار، در جامعه بازتاب منفی و به‌ویژه، برای عالمان و اندیشمندان خسارت جبران‌ناپذیری در پی داشت. ابن جوزی در مجالسی که خلیفه حاضر بود، وی را موعظه می‌کرد و در مجلسی به

۱. ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۲.

۲. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، ج ۱۰، ص ۲۸۳-۲۸۴.

خلیفه گفت: «ای امیرالمؤمنین! اگر درباره تو سخن گویم، از تو می‌ترسم و اگر سکوت کنم، بر تو می‌ترسم؛ اما من به سبب محبت به تو، ترس بر تو را به ترس بر خویش از تو پیش‌تر می‌دارم و تو را نصیحت می‌کنم».^۱

او هیچ‌گاه منصبی رسمی از حکومت نگرفت و در آثارش، ارتباط عالمان دین را با دولتمردان نکوهش کرده است؛ گرچه به صورت غیر رسمی، با خلفا و وزیران ارتباط داشت.^۲ در سال ۵۷۱ق، به پیشنهاد صاحب‌المخزن و فرمان خلیفه، ابن جوزی مسئول مبارزه با بدعت‌ها (تفتیش عقاید) شد.^۳ او برای مبارزه با بدعت‌ها گاه اعلام می‌کرد به موجب فرمان خلیفه، اگر کسی به صحابه اهانت کند، حتی اگر از واعظان باشد، خانه‌اش را ویران و او را تا ابد زندانی می‌کند.^۴ ظاهراً او شیعیان را در ترویج این اهانت‌ها مؤثر می‌دانست. این پذیرش منصب با عملکرد پیشین او و نصیحت کردن خلیفه سازگاری چندانی نداشت. شاید وی برای مقابله با جریان‌های عقیدتی مخالف، استفاده از موقعیت حکومتی را پذیرفت.

ابن جوزی در دوره‌ی الناصر، موقعیت خود را از دست داد؛ زیرا در ۵۹۰ق، الناصر وزارت را به ابوالمظفر مؤیدالدین محمد بن احمد، معروف به ابن قصاب سپرد که شیعه بود. او ابن یونس حنبلی را بازداشت و یارانش را تعقیب کرد. عبدالسلام بن عبدالوهاب، ابن جوزی را به ابن قصاب، مردی ناصبی و از فرزندان ابوبکر و یکی از بزرگ‌ترین یاران ابن یونس معرفی کرد. عبدالسلام همچنین، به ابن قصاب گفت مدرسه نیای وی را گرفته، به ابن جوزی سپردند و با مشورت او کتابخانه‌اش را سوزاندند. ابن قصاب این مطلب را به الناصر که به شیعیان گرایش داشت، گزارش داد و به فرمان خلیفه، ابن جوزی را به عبدالسلام واگذار کردند. از این زمان، وی مورد بی‌مهری و آزار قرار گرفت.^۵

گرچه برخی مطالب درباره اهل بیت(ع) به ابن جوزی نسبت داده شده، به نظر می‌رسد وی شیعه نبود، بلکه دوستدار خاندان رسالت بود و این دوستی در میان برخی اهل سنت رواج داشته است. از کتاب ابن جوزی آشکار است که با تصوف مخالفت شدیدی داشت.^۶ ابن جوزی در المنتظم فی تاریخ الملوك والامم که یکی از تکمله‌های تاریخ طبری است، حوادث را تا سال ۵۷۴ آورده و رخدادهای ۲۳ سال آخر عمرش را نوشته است. او توجه

۱. همان، ص ۲۸۵.

۲. همان، ص ۲۵۷ و ۲۵۹.

۳. همان، ص ۲۵۹.

۴. همان.

۵. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۳۷۷.

۶. ابن جوزی، تلبیس ابلیس، ج ۱، ص ۱۹۹.

ویژه‌ای به رخداد‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عراق و به‌ویژه، حوادث مربوط به دارالخلافة و شرق سرزمین‌های اسلامی داشته است. وی حوادث پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه را براساس موضوع دسته‌بندی کرده و پس از هجرت را به شیوه سال‌شماری نوشته و در پایان، رویدادها و سرگذشت اجمالی بزرگان درگذشته هر سال را به ترتیب الفبا بیان کرده است. ابن جوزی آغازگر این شیوه در نگارش کتاب تاریخی نیست؛ اما نخستین کسی است که به‌طور مفصل و با انگیزه نقد بزرگان، به شرح حال افراد مشهور پرداخته است.^۱ ابن جوزی پس از نوشتن المنتظم، خلاصه‌ای از آن را با عنوان شذور العقود فی تاریخ العهود، در یک جلد فراهم^۲ و در آن، حوادث را تا سال ۵۷۸ق بیان کرد. او سپس کتاب درة الأکلیل را در چهار جلد، با عنوان ذیل المنتظم نوشت و حوادث سال‌های ۵۷۵ تا ۵۹۰ق را در آن آورد؛^۳ اما در آن، همه رویداد‌های مربوط به آن سال‌ها را بیان نکرد.

المنتظم را می‌توان دو بخش کرد. بخش نخست برگرفته از تاریخ طبری و به نقل از ابومخنف، کلبی، مدائنی و دیگران است و قسمت دوم که در آن، از مصادر دیگری مانند الاوراق صولی (م ۳۳۶) و نشوار المحاضرة تنوخی بهره گرفته است. برای این پژوهش بخش دوم المنتظم، به‌ویژه، حوادث قرن‌های چهارم و پنجم آن، بسیار ارزشمند و قابل استناد است.

ابن جوزی در آغاز، پس از ذکر خطبه و اشاره به مطالب کتاب، مورخان را دسته‌بندی کرده است. هر کدام از این مورخان، مطالب کتاب خود را براساس برخی طبقات اجتماعی تقسیم کرده است. او سپس به تاریخ‌نگاران پیشین ایراد گرفته که بسیاری از مطالبی که بیان کرده‌اند، خرافات و بی‌فایده است؛ مثلاً نقل کرده‌اند حاکمان خمر می‌نوشیدند و این فساد را ترویج می‌داد یا از آنها ایراد گرفته‌اند که اعمال خلاف خود را سیاست می‌نامیدند و با این کار، خلاف‌های دیگری نیز انجام می‌دادند. ابن جوزی سپس به بیان فایده‌های تاریخ و پس از این، به بحث درباره دلایل وجود خدا و آغاز خلقت، کوه‌ها، معدن‌ها و دریاها پرداخته است. وی در نهایت، صد صفحه را به بیان حوادث دوره آدم(ع) و دیگر پیامبران(ع) و همچنین، حدود هفتاد صفحه را به تاریخ ایرانیان اختصاص داده است.^۴

مرحله دیگر، بیان رخداد‌های دوران پیامبر اسلام(ص) و یاران ایشان است که به صورت سال‌شمار و بیان مهم‌ترین حوادث پیش می‌رود و در برخی موارد، مانند ذکر یاران آن

۱. روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ج ۲، ص ۱۶۲. ۲. سخاوی، الاعلان بالتوئیخ لمن ذم التاريخ، ص ۳۰۴.

۳. همان.

۴. ر.ک: ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، ج ۱؛ همان، ج ۲، ص ۱۹۵.

حضرت، از ترتیب الفبایی استفاده می‌شود. المنتظم از صفحه ۴۲ جلد چهاردهم، تا پایان جلد پانزدهم، حوادث مربوط به دوره آل‌بویه را دربر می‌گیرد و از جلد شانزدهم، رخداد‌های پس از سقوط آل‌بویه و روی کار آمدن سلجوقیان و ارتباط آنان را با خلافت بیان می‌کند.

به این ترتیب، جلدهای چهاردهم تا شانزدهم المنتظم، از منابع مهم پژوهش ماست؛ زیرا داده‌های فراوانی درباره ارتباط عالمان و اندیشمندان امامی با فرقه‌های دیگر دارد. از امتیازات مهم المنتظم اینکه مطالب را بسیار خلاصه آورده است؛ مثلاً حوادث سال ۴۴۶ق را تنها در دو بند مختصر بیان کرده است.

ابن جوزی حوادث تاریخ صدر اسلام و دوران خلفا را به صورت مفصل می‌آورد؛ اما هر چه زمان جلوتر می‌آید، بیان حوادث مختصر می‌شود. شیوه تاریخ‌نگاری او ترکیبی از مباحث تاریخی و رجالی است و او در نگارش این کتاب، به تفصیل از این شیوه بهره گرفته است.

از سوی دیگر، المنتظم، به‌ویژه جلدهای چهاردهم تا شانزدهم آن، تنها دربردارنده رویدادهای سیاسی نیست، بلکه اطلاعات فراوانی درباره وضعیت اداری، امور نظامی، قضایی، حسبی و اقتصادی ارائه می‌کند که در نوع خود کم‌نظیر است. نکته مهم‌تر اینکه این کتاب مطالب مربوط به فرقه‌های گوناگون بغداد و نزاع‌های مذهبی آنان، در قرن‌های چهارم و پنجم را که از مهم‌ترین مسائل بغداد بود، و همچنین، مسائل قومی و نژادی میان دیلمان و ترکان و درگیری و اختلاف آنان را مطرح کرده است. اتفاقاً این موضوعات با حوادث سیاسی و فرهنگی بی‌شماری ارتباط و در پدید آمدن آنها نقش تعیین‌کننده داشته است؛ از این رو، بنابراین توجه ابن جوزی به آنها این کتاب را غنی‌تر کرده است. به دلیل اطلاعات منحصر به فرد این کتاب درباره روابط گروه‌ها و حاکمان، مورخان متأخر از ابن جوزی، مانند ابن اثیر و ابن کثیر، در این زمینه از آن بهره فراوانی گرفته‌اند.

ابن جوزی در بیان حوادث این سال‌ها، حتی یک‌بار، از حنابله سخنی نگفته است، بلکه با تعبیر «اهل سنت» تلاش داشته حنابله را در حوادث این سال‌ها مقصر نشان ندهد. وی همچنین، گزارش‌های بسیاری از احمد بن حنبل یا فرزندان و شاگردان او را نقل می‌کند و این اثرپذیری او را در تاریخ‌نگاری، از باورهای کلامی و اعتقادی نشان می‌دهد. این تمایل به حنابله ممکن است به صورت ناخواسته، در مطالب وی اثر گذاشته باشد؛ اما در هر

صورت، در نتیجه‌گیری دیگران از کتاب او تأثیر دارد. به هر حال، این کتاب با همه کاستی‌هایش، منبع بسیار ارزشمندی برای پژوهش درباره دوره آل‌بویه و حضور امامیه و دیگر فرقه‌ها در این عصر است.

ب) تجارب الامم، نوشته احمد بن محمد مسکویه (۴۲۱ق): ابوعلی احمد بن محمد مسکویه، نماینده تحول فکری عصر آل‌بویه در زمینه تاریخ‌نگاری عمومی است. او به دلیل توجه داشتن به علوم گوناگون، از جمله فلسفه، اخلاق و تاریخ جایگاه بسیار ممتازی داشت. وی با نگارش کتاب‌هایی در این سه دانش شخصیت ویژه‌ای یافته بود. او تاریخ را به مثابه سرمایه‌ای ارزشمند و اکاویده است و این رویکرد، از نوع نگارش او آشکار می‌شود؛ زیرا از بیان پند و تجربه، در گزارش رویدادهایی مانند علل برآمدن و برافتادن امت‌ها و حکومت‌ها استفاده و از این راه، آنها را تحلیل و ریشه‌یابی کرده است تا حقایق تاریخی از افسانه‌هایی بی‌پایه شناسایی شود. مسکویه در دریافت حقایق تاریخی، فراست و استعداد خود را نشان داده و رویدادهای مهم را اندیشمندانه و منسجم گزارش کرده است.^۱ این نکته با مقایسه کتاب او با آثار هم‌عصرش کاملاً روشن می‌شود؛ زیرا معاصران او به تجربه‌اندوزی و پندآموزی از تاریخ اندک توجهی نکرده‌اند؛ اما مسکویه بن‌مایه کار خود را بر آن نهاده است.^۲

نکته مهم و متمایزکننده مسکویه از ابن جوزی این است که مسکویه، در متن رخدادهای دوره مورد بحث حضور داشته و به شنیدن اکتفا نکرده است. او با برخی وزیران آل‌بویه، مانند مهلبی، دوستی بسیاری داشته، به روزگار طولانی دوستی و همنشینی خود با ابو محمد مهلبی، وزیر معزالدوله بویه، در سال‌های ۳۳۹-۳۵۲ق اشاره و بیان کرده است که یکی از منابع او در ذکر حوادث سال ۳۴۰ق به بعد، اطلاعات شفاهی مهلبی از وقایع دوران وزارتش بوده است. او در جای دیگر، زیر وقایع مربوط به مهلبی، در ۳۴۱ق، خود را همنشین وزیر، در همان تاریخ شمرده است. دسترسی وی به اطلاعات حکومتی و بودن در متن حوادث، در واقع‌نمایی کتاب او بیشتر نقش داشته است. البته گاه برخی مطالب را نمی‌توان در دوره خود بیان کرد؛ اما می‌توان با نگارش حوادث پیش از خود، طوری که حساسیت فرد یا گروهی را تحریک نکند، واقعیت را بهتر و درست‌تر مطرح کرد.

نکات مثبت کتاب ابن مسکویه عبارت است از:

۱. روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۱۶۴. ۲. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ص ۲۷.

۱. درصدد است تجربه در اختیار خوانندگان قرار دهد تا از اشتباهات گذشتگان پرهیز کنند؛
 ۲. توجه به مسائل اجتماعی و فردی در جامعه و به‌ویژه امور تکرارپذیر؛
 ۳. پرهیز از مطالبی که برای انسان تجربه‌اندوزی ندارد؛
 ۴. توجه به رد خرافه و افسانه؛
 ۵. ارزش ندادن به گزارش‌های تاریخی پیش از طوفان؛ زیرا آنها پذیرفتنی نیست و در نتیجه، نمی‌توان به آنها استناد کرد و مانند معجزات برای انسان عبرت‌آموزی ندارد و راهکاری برای جهت دادن به انسان‌ها ارائه نمی‌کند؛
 ۶. انصاف در نگارش تاریخ سبب شده در مواردی که ستمگری کار خوبی داشته، آن را بیان و بر آن تأکید کند؛
 ۷. به دلیل بهره‌گیری از دانش فلسفه در نوشتن تاریخ، از شیوه توصیف که در زمان وی معمول بوده، خارج شده، به تعلیل و تبیین حوادث پرداخته است و به این ترتیب، زمینه فلسفه تاریخ فراهم شد؛
 ۸. ذکر منابع و بهره بردن از تاریخ طبری و آثار مهم ثابت بن سنان و ابواسحاق صابی؛
 ۹. در عصر او، اندیشمندان و نویسندگان معتبری مانند ابوحنیف توحیدی (۴۱۴ق) و ثعالبی (۴۲۹ق)، کتاب‌های باارزشی نوشته‌اند؛ اما کتاب مسکویه، از نظر تاریخی، با آنها تفاوت بسیار و ارزش بیشتری دارد؛ زیرا ارائه داده تاریخی در آن بسیار است.
- مسکویه کتاب خود را از زمان پیشدادیان آغاز کرده و از حدود صفحه ۲۰۰ تا صفحه ۱۰۳ جلد ششم، به حوادث پیش از آل‌بویه پرداخته و در جلد هفتم، حوادث را تا سال ۳۹۳ق بیان داشته است؛ در نتیجه، تنها نیمی از روزگار آل‌بویه را بررسی کرده است، با اینکه تا سال ۴۲۱ق زنده بود. او رویدادهای ۲۸ سال آخر عمرش را که دربردارنده حوادث و تحولات بسیار مهمی بود، نوشته است. وی حوادث را به شیوه سال‌شماری نگاشته است. تجارب الامم مانند دیگر کتاب‌ها، به صورت مستقل، به درگذشتگان نپرداخته است و مطالب را به شکل مفصل‌تری آورده است.
- مسکویه براساس نگرش خود، در گزارش حوادث پیش از اسلام، به ذکر آنچه ارزشمند بوده بسنده کرده است. او کتابش را در درجه نخست، برای حکومت‌گران، وزیران، فرماندهان نظامی، صاحب‌منصبان و شخصیت‌ها و در درجه دوم، برای دیگر اقشار مردم و طبقات پایین نگاشته است تا از آن، در روابط با مردم و خانواده‌شان استفاده کنند.